

# پاشنه آشیل سرخ ها باز بیرون زد نداشتن یک قاتل!



حامد چیرودی

روزنامه نگار

در این مدت، به غیر از چند بازی که شهاب زاهدی در آن موفق به گلزنی شد، پرسپولیس به راحتی و توسط مهاجمانش نتوانسته دروازه حریفان خود را به راحتی باز کند و حضور نبیل باهوویی هم نتوانسته این معضل را حل کند؛ مهاجمی سوندی که مانند هم‌پست قبلی‌اش لئاندرو پیررا بازیکن باکیفیتی نشان نداده و نتوانسته چور خط حمله این تیم را بکشد. بازیکنی که مورد تأیید سرمربی پرسپولیس نبود و با نظر مدیریت این باشگاه جذب شد تا روند جذب مهاجمان بی‌کیفیت خارجی در این تیم ادامه داشته باشد. باهوویی با حضورش در زمین در بازی با النصر، نه تنها موقعیت خاصی ایجاد نکرد بلکه مانع حرکت انفجاری ترابی در یک صحنه نیز شد تا آن موقعیت از دست برود. در این میان، سؤالی که در ذهن بسیاری وجود دارد این است که گل محمدی چرا به جدایی مهدی عبدی و رفتن قرصی او به تراکتور رضایت داد؟ مهاجمی که اگر چه بیشتر در محوطه جریمه حضور داشت و پرس خوبی -آطور که گل محمدی انتظار دارد- انجام نمی‌داد اما پر واضح است که در حالت عادی هم از مهاجمی مانند باهوویی بهتر

است اما پرسپولیس در روزهایی که در به در به دنبال مهاجم گلزن می‌گشت، او را به راحتی از دست داد و بعد هم باهوویی را جذب کرد که خوب از آب در نیامده است. این در حالی است که اگرچه پرسپولیس مهاجم خارجی گلزن می‌خواست و با توجه به سقف بودجه و نفرات باید لیست خود را خالی می‌کرد اما می‌توانست این کار را با خارج کردن نفراتی مانند محمدعلی احمدی انجام دهد. بازیکنی که حتی یک دقیقه هم فرصت بازی پیدا نکرده است یا حتی فرهاد فرجی می‌توانست به تیمی دیگر برود اما یحیی در اوج نداشتن مهاجم، با جدایی عبدی موافقت کرد تا حالا جای خالی یک گلزن را در تیم خود بنشیند احساس کند. موضوعی که احتمالاً در بازی‌های آینده نیز گریبان این تیم را خواهد گرفت. مگر اینکه پرسپولیس در نیم فصل چاره‌ای بیندیشد و یک مهاجم گلزن را به لیست نفرات خود اضافه کند. بازیکنی که همانند یک قاتل عمل کند و بی‌رحمانه دروازه حریفان را باز کند. خریدی که آن هم مانند یک هندوانه در بسته است و در این شرایط، باید گفت که خود کرده را تدبیر نیست!

## شلوغ کاری برای زمینگیر کردن حریف میان‌گذاری برای النصر

سمیه مهدی پور

روزنامه نگار

بازی در ریاض و در ورزشگاه الاول برابر تیم پرستاره النصر صدرنشین گروه و برابر تماشاگران حریف یک آزمون سخت برای تیمی بود که در هفته‌های اخیر روزهای گرگ و میشی را تجربه کرده.

از درگیری با مدیریت باشگاه و حواشی که بود گرفته تا مصدومیت‌ها و ناکامی‌های سریالی. تیمی که ۴ هفته نبرده بود و بازی با النصر سخت‌ترین بازی‌اش محسوب می‌شد. تیمی که در تهران با لشکر ستاره‌هایش باخت بزرگی را به پرسپولیس تحمیل کرده و زهر خود را ریخته بود. از همین رو پرسپولیس برای جبران مافات باید بهترین کیفیت خود را ارائه می‌داد و برنامه‌ای کاملاً حساب شده می‌داشت.

از همین رو یحیی گل محمدی با توجه به اتفاقات بازی رفت و البته ناکامی‌های هفته‌های اخیر کوشید پلن متفاوت و هوشمندانه‌ای برای این بازی داشته باشد. مهم‌ترین اتفاق تغییر سیستم و تاکتیک پرسپولیس برای این بازی بود. او برای این بازی از ۲-۴-۴ محبوبش دست کشید و به آرایش کلاسیک ۱-۳-۲-۴ که به ۳-۳-۴ شیف

می‌کرد، روی آورد تا اینگونه مرکز زمین را در دست گرفته و بازی را از حریف بگیرد. تغییر سیستم یحیی گل محمدی از توجه به سبک بازی النصر در دیدار رفت درست و منطقی بود. در مسابقه رفت بارها از مرکز زمین و فضای پشت محوطه جریمه پرسپولیس، ارسال‌های موبوب به جناحین داده شده و مارسلو بروزویچ روی دروازه پرسپولیس خلخ موقعیت کرد. کمبود نفر در مرکز زمین در دیدار رفت بارها باعث ایجاد فرصت روی دروازه علیرضا بیرانوند شد و هر دو گل النصر نیز از همین روش به ثمر رسید. پس تصمیم منطقی، شلوغ کردن فضای میانه میدان توسط یحیی گل محمدی بود و حضور همزمان میلاد سرلک و مسعود ریگی با وظایف غالب دفاعی، منجر شد النصر برخلاف بازی رفت و حتی هنگام ۱۱ نفره بودن نیز موقعیت‌چندانی نداشته باشد.

## پرسپولیس بدون دندان

بهزاد داداش‌زاده

هافبک اسبق پرسپولیس

متأسفانه در ایران مهاجم شش‌دندگ نداریم و پرسپولیس هم نتوانست مهاجم تمام‌کننده خارجی جذب کند. این ضعفی بود که باز هم در بازی پرسپولیس برابر النصر آن را لمس کردیم. در این بازی موقعیت‌های خوبی به دست آمد، ولی تیم گلزن ندارد و این موضوع کار را سخت می‌کند. ۱۰ نقره شدن النصر هم کار را سخت‌تر کرد، چون تیم عربستانی صعود کرده بود و با یک مساوی صدرنشین می‌شد که در نهایت به هدفش رسید.

پرسپولیس می‌توانست مهدی عبدی و عیسی آل‌کثیر را حفظ کند، اما بنا به دلایلی که باید از سوی مدیرعامل باشگاه و یحیی گل محمدی به آن پاسخ داده شود، تفکر غلطی این فصل در نقل و انتقالات پرسپولیس وجود داشت و بی‌حساب و کتاب نسبت به جذب و جدایی بازیکنان اقدام شد. دود این اشتباهات در چشم تیم و هواداران و پیشکسوتان می‌رود. کاملاً مشخص بود تیم روی ضربات آخر به مشکل می‌خورد، وقتی مهاجم تمام‌کننده و گلزن نداشته باشد. حقایق و واقعیت‌ها باید گفته شود. اگر تیم با مشکل سقف بودجه مواجه نمی‌شد، به جای شهاب زاهدی و نبیل باهوویی، یک مهاجم گلزن می‌گرفت که تخصص او گلزنی بود. هر چه بگوئیم فایده‌ای ندارد، چون فرصت از دست رفته و تیم به حاشیه می‌رود.

حاشیه بزرگترین چیزی است که به پرسپولیس لطمه می‌زند و النصر این موضوع را به خوبی فهمیده بود. از پرواز تیم که ۲ روز به عقب افتاد تا بی‌اعتنایی که به تیم در زمان ورود به عربستان رخ داد. متأسفم برای رضا درویش مدیرعامل باشگاه پرسپولیس که برای آمدن النصر به ایران سنگ تمام گذاشت. برخوردی که النصری‌ها با پرسپولیس کردند، در مقایسه با استقبال بی‌نظیر پرسپولیس، بی‌احترامی بود. امیدوارم مدیران ما درس بگیرند و شأن باشگاه‌های ایرانی را حفظ کنند. اگر در بازی رفت آن استقبال عجیب و غریب نمی‌شد، مطمئن باشید النصر تیمی نبود که بتواند پرسپولیس را در تهران ببرد. پرسپولیس به تفکرات مدیرعامل خود باخت.

اگر تیم با مشکل سقف بودجه مواجه نمی‌شد به جای شهاب زاهدی و نبیل باهوویی، یک مهاجم گلزن می‌گرفت که تخصص او گلزنی بود. هر چه بگوئیم فایده‌ای ندارد چون فرصت از دست رفته و تیم به حاشیه می‌رود



یک سرمربی باهوش اصراری روی تصمیمات خود ندارد و پافشاری بی‌اندازه یعنی تکرار اشتباه، پس یحیی به خوبی متوجه شد ابزار او برای تکرار ۲-۴-۴ فصل قبل کامل نیست. یعنی وحید امیری درخشان نیم فصل دوم برای نقش آفرینی در پست مهاجم سایه مصدوم شده، ترابی و صادقی نوسان دارند و سروش نیز در ۳۳ سالگی هر هفته نمی‌تواند تیم را نجات دهد. پس چاره‌ای جز تغییر سیستم و تقسیم وظایف دشوار میانه میدان بین ۳ بازیکن نیست و تصمیم عاقلانه یعنی همین کاری که یحیی کرد. اتفاقی که ابتکار عمل را به پرسپولیس داد و سبب شد تا پرسپولیس در سخت‌ترین بازی‌اش از ابتدای فصل برابر یک بردان مسلح و پرستاره دست بالا را داشته باشد و تیم برتر زمین لقب بگیرد. پرسپولیس با تغییر پلن در حقیقت برای حریف در مرکز زمین مین‌گذاری کرد و با همین مین‌گذاری تیم رقیب در تور پرسپولیس افتاد. اگرچه برتری پرسپولیس در زمین به برتری در نتیجه منتج نشد.

این عدم درک باعث شده از افراد فاقد صلاحیت در بدنه باشگاه استفاده شود؛ افرادی که به جهت حضور در باشگاه‌های فوتبال ایران به نان و نوایی رسیده‌اند، به جای اینکه آنها به جایگاهی که در اختیار دارند اعتبار ببخشند جایگاه‌ها و سمت‌هاست که برای آنها آورده دارد. در حوزه روابط عمومی و مدیریت ارتباطات باشگاه‌ها این موضوع بغرنج‌تر از سایر بخش‌هاست. مدیران باشگاه‌ها کسانی را برای این حوزه منصوب می‌کنند که چون خبرنگاران آن حوزه بودند تصور می‌کنند می‌توانند از پس این مسئولیت‌های خطیر بر بیایند اما اینگونه نیست. واقعیت این است که این مدیران به جهت عدم درک لازم از مدیریت در فوتبال، نمی‌توانند بین خبرنگاری و امور ارتباطات و روابط عمومی باشگاه تفکیک قائل شوند. اکثریت کسانی

که به عنوان مدیر روابط عمومی و رسانه سرخابی‌ها منصوب شدند تلاش کردند در مدت حضورشان در این دو باشگاه بیشترین بهره شخصی را از مسئولیت‌شان کسب کنند؛ از حقوق‌های نجومی تا پاداش‌هایی که حتی به میلیارد هم رسید. آنها به خوبی یاد گرفته‌اند چگونه جای پای خود را در استقلال و پرسپولیس محکم کنند. کافی است با هواداران هم‌صدا شوند. فحش دادن به تیم رقیب یکی از همین راهکارها است. استوری‌ها و پست‌های اینستاگرامی مدیران رسانه‌های سرخابی‌ها که مدام علیه باشگاه رقیب منتشر می‌شود هیچ تفاوتی با صحبت‌های چاله‌میدانی بوچی‌ها ندارد. آنها در حالی خودشان را دایه مهربان‌تر از مادر می‌دانند که همین اقدام‌های شان هم در جهت جذب فالوور است؛ فالوورهایی که

## بوچی باش، فالوور بگیر روابط خصوصی!

حامد حسینی

خبرنگار

فوتبال ایران تعریف کاریکاتورگونه‌ای از فوتبال روز دنیا است؛ بخصوص در سازماندهی و تشکیلات و همچنین در اختیار داشتن نیروهای متخصص هیچ شباهت و سنخیتی با کشورهای صاحب‌نام دنیا ندارد. باشگاه‌های در فوتبال ایران هم به تبعیت از این وضعیت بغرنج با تناقض‌های زیادی همراه و فاقد هر استاندارد است. اکثر تیم‌های باشگاهی فوتبال ایران تنها عنوان باشگاه را یدک می‌کنند؛ جمله‌های کلیشه‌ای که چون واقعیت است تاریخ مصرف آن هیچ‌گاه به پایان نمی‌رسد. مدیران این باشگاه‌ها در انجام بدیهی‌ترین مسائل هم عاجز مانده‌اند و درکی از بدیهی‌ترین مسائل فوتبال ایران ندارند.